



مرکز مطالعات پارلمان

# ماهnamه تخصصی مطالعات پارلمان

کارآمدی مجلس، کارآمدی حکمرانی  
سال اول | شماره هفتم | اردیبهشت ۱۴۰۲

## پرونده ویژه

زن در آیینه مجلس یازدهم،  
نگاهی به لایحه ارتقای امنیت زنان



### حلقه میانی سیاست‌کجاست؟

چهار پرسک سیاست‌ورزی در ایران بالاست؟

### انتخابات ۲۰۲۳ ترکیه

نگاهی به متن و فرمان تن

### حکمرانی حزبی

تهدیدها و فرصت‌ها

### فرازو فرود حمایت قانونی از زیست اجتماعی زنان

مروری کوتاه بر مسیری که طی شد...

### نامنی‌های لایحه ارتقای امنیت زنان

نگاهی بر ظرفیت اثباتی لایحه ارتقای امنیت زنان در دادگاه‌ها

### ارسال گزارش به قوه قضاییه، محبوبی و فای نمایندگان

چالش نظارت پارلمانی بر اعمال دولت



دربگاه ارتباطی مابا مخاطبان ارجمند  
[t.me/parliamentary\\_studies](https://t.me/parliamentary_studies)

# فهرست

- |                                     |  |    |
|-------------------------------------|--|----|
| <input checked="" type="checkbox"/> | <b>حلقه میانی سیاست کجاست؟</b><br>چرا بیسک سیاست ورزی در ایران بالاست؟                                 | ۳  |
| <input checked="" type="checkbox"/> | <b>انتخابات ۱۴۰۲ ترکیه</b><br>نگاهی به متن و فرامتن  | ۶  |
| <input checked="" type="checkbox"/> | <b>حکمرانی حزبی</b><br>تهدیدها و فرصت‌ها   | ۹  |
| <input checked="" type="checkbox"/> | <b>فراز و فرود حمایت قانونی از زیست اجتماعی زنان</b><br>مروری کوتاه بر مسیری که طی شد                  | ۱۲ |
| <input checked="" type="checkbox"/> | <b>نامنی‌های لایحه ارتقای امنیت زنان</b><br>نگاهی بر ظرفیت اثباتی لایحه ارتقای امنیت زنان در دادگاه‌ها | ۱۵ |
| <input checked="" type="checkbox"/> | <b>ارسال گزارش به قوه قضاییه، محبوب بی و فای نمایندگان</b><br>چالش نظارت پارلمانی بر اعمال دولت        | ۲۰ |



اندیشکده حکمرانی شریف



## شناسه اثر:

|                |  |
|----------------|--|
| عنوان          | ماهنامه مطالعات پارلمان  |
| شماره شاپا     | ISSN2980-8588  |
| صاحب امتیاز    | اندیشکده حکمرانی شریف  |
| مدیر مسئول     | دکتر مهدی زینالو   |
| سردبیر         | عاطفه مرادی اسلامی   |
| نویسنندگان     | علی صالحیان، حدیثه ربیعی، گشتاسب مظفری، عاطفه مرادی اسلامی، محمود پور رضائی فشخامی |
| نوبت و سال چاپ | اول، ۱۴۰۲  |

## حلقه میانی سیاست کجاست؟

چراریسک سیاست ورزی در ایران بالاست؟

و در ادامه می‌گویند: «تشکل حق، تشكیل است که انحصار طلب نیست؛ یعنی چه انحصار طلب نیست؟ یعنی این منطق خود پرستا نه وضد خدا پرستی را ندارد که هر کس در این تشکیلات هست آدم خوبی است و هر کس در این تشکیلات نیست آدم خوبی نیست. این تفکر، تفکر شیطانی است و نه حمایت و نه یزدانی.

تشکل خوب، تشكیل سالم، تشكیل است که یک نظام ارزشی را روشن و صریح مطرح می‌کند. می‌گوید ما پاسدار این نظام ارزشی هستیم. پاسدار این ارزشها هستیم. هر که این ارزشها را دارد موردم حمایت است خواهد داشت. تشكیلات مابه عنوان عضو باشد خواهد نباشد. هر کس این ارزشها را دارد این مورد انتقاد ماما است خواهد عضو تشكیلات ماباشد خواهد نباشد یکی از این ارزشها هم تشكیل است. یعنی افرادی که از جهات دیگر خوبند امام منفردند و بده کار دسته جمعی عادت ندارند نسبت به افرادی که منفرد نیستند و کار دسته جمعی می‌کنند، می‌گوئیم اینها این که کار دسته جمعی می‌کنند یک امتیاز بیشتر دارند. اما یک امتیاز نه همه امتیازها».

قابل توجه است که علی رغم تصریح اصل ۲۶ قانون اساسی مبنی بر آزادی تشكیل هادر چار چوب موازین اسلامی و اصول قانون اساسی و همچنین تصویب برخی قوانین مرتبط از جمله قانون احزاب، ماهمچنان در پیچ و خم گفتگوهای مبنایی پیرامون تشكیل حق هستیم و دوکارکرد اصیل حزب یعنی مرجعیت فکری و توافق ندسازی و ایجاد فرق است برای تجربه ورزی اعضایه محقق رفته و حزب مساوی بامبارزات انتخاباتی دقیقه نهودی تعریف شده است. از این روست که کنشگران سیاسی علی رغم انگیزه بالاؤ سر پر شوری که دارند، گفتمانی مشخص بالازام به دلالت های آن در عرصه عمل را دنبال نمی کنند و تناقض های عملی زیادی را رقم می زند. از سوی دیگر کارکرد حمایت گری و خطاب پوشی حزب که امکان بازگشت نیروهای مساله دار به میدان را در بلند مدت فراهم کرده و مانع از ایجاد تهدید نسبت به امنیت داخلی و شکل گیری اقلیت های معارض می شوند؛ عمل مغفول مانده و تشكیل های سیاسی،

یکم خرد داد ماه سالروز یک بیانیه تاریخی در ساحت سیاستگذاری کشور ماست؛ بیانیه ای که ضمن باز تعریف جایگاه مردم در حکمرانی و تاکید بر لزوم شکل گیری یک حرکت عمومی فراگیر، معقول و منضبط به سمت تحقق آرمان های انقلاب اسلامی به یک ناآوری نهادی پرداخته و «حلقه های میانی» را به دار راهبری این حرکت مردمی و نقطه اتصال میدان بابنه حاکمیت معرفی کرد.

حلقه هایی که حول قیام جوانان برای تحول در حکمرانی شکل می گیرند و قرار است اراده های عمومی را برای ایجاد نظمی جدید در راستای تمدن سازی اسلامی جهت دهی کنند.

هر چند که شکل گیری این حلقة ها در میدان عمل مقدمه ای بر تشكیل دولت جوان حزب الله و راهبری کشور به دست جوانان عنوان شد؛ منتهای بیش از تشكیل این حلقة ها، ورود جوانان به عرصه مدیریت پررنگ شد و بعض اتفاقات جربیات نه چندان موفقی از حضور جوانان کم تجربه در مناصب حاکمیتی را رقم زد.

حال سوال اینجاست که نهاد تازه تاسیس حلقة میانی چه نسبتی با نهادهای مستقر نظام های سیاسی همچون حزب دارد؟ آیا این دونهاده و اسظباط با هم تعارض مبنایی دارند و یا هر نهاد کارویژه مخصوص به خود را داراست؟

این سخنان شهید بهشتی (ره) معروف است که پیرامون «تشکل حق» فرموده بودند: «یک رژیم، یک نظام بدون تشكیل که بر پایه ارزشها باشد، (ارزشها) که زیر بنای برنامه ها باشد، ارزشها که مورد قبول و باور برنامه ریزان و اجرا کنندگان برنامه و مسئولان اجرای برنامه باشد) هرگز پانمی گیرد. و قدر می‌گوئیم ضرورت تشكیل منظور مان همین است، نام که مطرح نیست.

اسم این تشكیل را بگذار حزب، بگذار سازمان، بگذار جمعیت، بگذار دفتر، بگذار تشكیلات، هر چه خواستی اسمش را بگذار، ما با اسم کاری نداریم با مسمی کار داریم».

بدیهی است که حلقة میانی سیاست در چارچوب کلان راهبردها و به ضرورت مرحله دولت‌سازی اسلامی، بایستی ظرفیت‌ها و سلیقه‌های متتنوع گروه‌های مردمی را به رسمیت شناخته، برنامه متناسب با این ظرفیت‌ها را طراحی نموده و در میدان عمل فرصت تجربه ورزی سیاسی در میدان‌های کوچک برای کنشگران نوپارافراهم کرده و سپس مقیاس دادن به این فرصت‌ها برای زندگان راطی یک‌فرایند تدریجی حساب شده فراهم نماید. والهم چنان باید گفت: ریسک سیاست ورزی در ایران بالاست!

معمولاریسک‌های سیاست ورزی را گردن نمی‌گیرند و اینگونه می‌شود که نیروهای اصلی پیش برندۀ امر سیاست در ایران در موارد متعددی خود تبدیل به نیروهای ضد سیاست مسلط شده‌اند. شاید بتوان گفت تنها نهادی که تاحدی کارکرد نگهداشت نیروهای سیاسی در کشور را دنبال می‌کند، مجمع تشخیص مصلحت نظام است که خود یک نهاد رسمی است؛

در حالیکه این انتظار بیشتر از نهادهای سیاسی غیر رسمی می‌رود. قابل تأمل آنکه، اگر تربیت نیروی سیاسی و به تبع داشتن پلن‌های مختلف برای زندگی سیاسی کنشگران در موقعیت‌های مختلف، به عنوان کارویژه اساسی تشکل‌های سیاسی مدنظر قرار بگیرد؛ کمتر شاهد شلختگی‌های عملی و آشفتگی‌های ذهنی سیاستمداران خواهیم بود. حال باید دید رویکردی که در وضعیت فعلی کشور پیرامون تحقق حلقة‌های میانی در حال شکل‌گیری است؛

تاقچه‌اندازه دغدغه‌های شدن امر سیاست در ایران در دوساخت نظر و عمل و متناسب با ویژگی‌های اصلی که رهبری انقلاب در توصیف حلقة‌های میانی ذکر کرده؛ یعنی معقول بودن، منضبط بودن، پیگیر بودن و اتصال با بدنۀ اجتماعی، را دنبال می‌کند؟ و یا صرف‌دادگذگه‌های فرهنگی به شکل کلان و گفتگوهای راهبردی مدنظر راهبران این حلقة‌هاست؟

در هر صورت به نظر می‌رسد باتوجه به مشخصه این حلقة‌های نامی توان آن را نافی نهاد تحریز دانست بلکه حلقة‌های میانی می‌توانند در قالب کارگروه‌های تخصصی متتنوع آنچنان که رهبری هم در بیانات خود اشاره داشته‌اند؛ فعالیت کنند.





# انتخابات ۲۰۲۳ ترکیه

نگاهی به متن و فرمان

علی صالحیان  
دانشجوی دکتری روابط بین الملل و کارشناس مرکز مطالعات پارلمان



۶ دقیقه



## کارآمدی مجلس، کارآمدی حکمرانی

اگر بخواهیم براساس نقشه ترکیه به نوع رای دهی مردم پی ببریم مشهود است که شهرهای مرکزی ترکیه به غیر از آنکارا، اسکی شهیر و تونجلی همگی بیشتر رای خود را به اردوغان اختصاص داده اند در صورتی که شهرهای مرزی غربی و شرقی گزینه مقابله یعنی قلیچدار اوغلور امناسب ریاست جمهوری دیده اند.

در حوزه اقتصادی، بحران ارزی برای حدود چهار سال بین سال های ۱۴۰۸-۱۴۲۱ باعث شده لحدود ۵ درصد از ارزش خود را از دست بدید و در دوازده ماه بین ژانویه ۱۴۰۹ تا زانویه ۱۴۲۰، ۸۳ درصد از ارزش خود را از دست داد. راه معکوس کردن ریزش ارز و مهارت تورم ناشی از آن این است که بانک مرکزی ترکیه نرخ بهره را افزایش دهد. اگرچه قرار است این بانک مستقل باشد، اردوغان قاطع‌انه با افزایش نرخ‌های بهره مخالف کرده است. اونگراین است که نرخ‌های بهره بالاتر به بخش مرکزی ترک‌های طبقه متوسط آسیب بزند، هرچند تورم به گفته منابع رسمی تا ۸۸.۵ درصد افزایش یافته است و مردم ترکیه فشار اقتصادی قابل توجهی را تجربه می‌کند.

منتقدان سبک مدیریت اردوغان را عامل این بحران در هزینه‌های زندگی می‌دانند. آخرین آمار رسمی، تورم را در حدود ۴۴ درصد نشان می‌دهد که از بالای ۸۶ درصد کاهش یافته است. قیمت سبزیجات تبدیل به یک موضوع تبلیغاتی برای مخالفان شد که از پیاز به عنوان نماد استفاده می‌کردند. قلیچدار اوغلوماه گذشته ویدیویی منتشر کرد و در آن اعلام کرد: «الآن یک کیلوگرم پیاز ۳۰ لیره است، اگر [اردوغان] بماند ۱۰ لیره می‌شود».

براساس گزارش بانک جهانی، ترکیه نوزدهمین اقتصاد بزرگ جهان است. اقتصاد دانان بلومبرگ تخمین می‌زنند که بانک مرکزی ترکیه از دسامبر ۱۴۰۲ بیش از ۷۷۰ میلیارد لر برای حمایت از لیر هزینه کرده است. تورم کالا و خدمات در ماه گذشته نسبت به سال قبل ۵.۱۹٪ از درصد افزایش قیمت را ثبت کرده قیمت ها نسبت به ابتدای سال ۱۴۰۲ تقریباً یک سوم افزایش داشته است.

در قسمت نهایی نیز می‌توان به ضعف گروه‌های مخالف پردازیم. قلیچدار اوغلودر ۱۳ سال ریاست خود بر حزب نتوانسته بود پیروز شود، اما حالا به عنوان نامزد اصلی مخالفان برای ریاست جمهوری وارد کارزار انتخابات شد. وی از اقلیت مذهبی علوی است که با تعصب محافظه کاران سفی و راست افراطی مواجه بوده است. گروه‌های مخالف عدالت و توسعه اغلب با اختلاف تسبیه یکدیگر فقط یک فصل مشترک داشتند و آن شکست اردوغان بوده است.

پس از برگزاری دور اول انتخابات حساس و نزدیک در روز یکشنبه، ترکیه به سمت دور دوم رای گیری در ۲۸ مه پیش می‌رود، زیرا جب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه که امیدوار بود برای دور سوم انتخابات ریاست جمهوری خود را کسب کند، نتوانسته است در صدر ای لازم را کسب کند. این اولین بار است که بعد از بیست سال فعالیت سیاسی اردوغان، به عنوان نامزد ریاست جمهوری، به دور دوم رای گیری می‌رود.

طبق اعلام شورای عالی انتخابات ترکیه اردوغان ۴۹.۵ درصد از آرای ورقیب اصلی او، قلیچدار اوغلو، ۴۴.۸۹ درصد آرا به دست آورد. در همین حال، سینان اوگان، نامزد مقام سوم، ۵.۲ درصد را به دست آورد که برای بسیاری از تحلیلگران، یک نتیجه شگفت‌آور بالاست. نظرسنجی هادر آستانه رای گیری یکشنبه پیش‌بینی می‌کردند که قلیچدار اوغلو یک پیش‌تازی جزئی داشته باشد، که با نتیجه بدست آمده یعنی اردوغان بهتر از حد انتظار عمل کرده است. قابل توجه آنکه ترکیه در ژوئیه ۱۴۰۲ از نظام پارلمانی به ریاست جمهوری تبدیل شد. تحلیلگران پیش‌بینی می‌کنند اردوغان در دور دوم پیروز می‌شود.

در انتخابات پارلمانی حزب عدالت و توسعه با وجود از دست دادن تعدادی از کرسی‌ها، بیشترین کرسی‌های هارابه خود اختصاص داد. هر چند، تعداد کرسی‌های حزب عدالت و توسعه از ۲۶۶ به ۲۹۶ کرسی کاهش یافته است. ائتلاف اردوغان همچنان توانسته است اکثریت پارلمان ترکیه با ۶۰ کرسی را به دست آورد. حزب جمهوری خواه خلق نیز بامتحدين خود ۱۶۸ کرسی به دست آورد. نتایج سایر احزاب به ترتیب از قرار ذیل است: حزب سبز و آینده چپ ۴۶ کرسی، حزب جنبش ملی گرای اسلامی، حزب خوب ۴۴ کرسی، حزب رفاه نو ۵ کرسی و حزب کارگران ترکیه ۴ کرسی.

اگر بخواهیم روندهایی که نوع انتخاب مردم را شکل داده است مطرح کنیم، به نظر حداقل سه عامل قابل شناسایی است: زلزله بهمن ماه، وضعیت نامطلوب اقتصادی ترکیه و البته ضعف و عدم یکدستی گروه مخالف اردوغان.

انتخابات امسال در میان پس زمینه‌ای از آشفتگی اقتصادی، بحران هزینه‌های زندگی و زلزله فوریه برگزار شد که بیش از ۵۰۰۰ نفر را کشت. تمامی استان‌های آسیب دیده از زلزله ویرانگر فوریه در انتخابات پارلمانی به حزب حاکم رای دادند. از جمله در شهرهای آدانا و هاتای ازیازده استانی که تحت تاثیر زمین لرزه‌های فوریه قرار گرفتند، هشت استان از اردوغان آن استان‌ها به جزاستان دیار بکر که اکثر اکردنشین هستند، به حزب عدالت و توسعه اردوغان رای دادند.

مشارکت رای دهنگان در مقایسه با کشورهای دموکراتیک بسیار بالابوده و علیرغم مشکلات و کاهش سطح دموکراسی، نرخ مشارکت کاهش نیافته است.

| درصد مشارکت | سال انتخابات |
|-------------|--------------|
| ۹۱.۵۶       | ۱۹۹۳         |
| ۹۶.۹۱       | ۲۰۰۰         |
| ۸۱.۴۷       | ۲۰۰۷         |
| ۷۴.۱۳       | ۲۰۱۴         |
| ۸۶.۲۴       | ۲۰۱۸         |
| ۸۸/۹        | ۲۰۲۳         |

نکته‌ای که درباره سطح مشارکت در اولویت بعدی قرار می‌گیرد قانون اجباری بودن رای دهی در ترکیه است.

در ماده ۶۳ قانون انتخابات ۲۸۳۹ با عنوان «کسانی که در انتخابات رای ندادند» بیان می‌دارد: «کسانی که بدون عذر مشروع در انتخابات عمومی و میان دوره‌ای مجلس شرکت نمی‌کنند، هر چند در مجلس ثبت نام کرده باشند به جزای نقدی ده هزار لیره توسط رئیس هیأت انتخابات محکوم می‌شوند و این تصمیم قطعی است». در حالی که در قانون مربوطه مقرر شده است کسانی که رای نمی‌دهند جرمیه بپردازند؛ اما بررسی میدانی محدود نشان می‌دهد که این جرمیه اعمال نمی‌شود.

در دور بعدی شانس انتخاب اردوغان بیش از حرف خود است که می‌تواند حاکی از خواست مردم ترکیه بر ادامه سیاست‌های فعلی علی‌رغم مشکلات اقتصادی و غالب بودن خواست ملی گرایی که اردوغان منادی آن است، باشد. لذا شاید بتوان بعد از انتخابات ۲۰۲۳ فنلاند و روندی که در رشد ملی گرایی در سال‌های اخیر در کشورها شناسایی شده بود، ترکیه را نیز به این لیست اضافه کرد. برای این نتیجه احتمالی، فقدان بدیل مناسب و ناتوانی قلیچدار اوغلو غیرقابل چشم پوشی است. در حالی که بدھی خارجی ترکیه در سال ۲۰۲۲ به ۴۳۵ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار رسیده در نهایت به نظر می‌رسد برواشت نویسنده ترک، امره کالسیکان (Emre Caliskan) نسبت به انتخابات اخیر قابل توجه باشد که بیان داشت «انتخابات سراسری و ریاست جمهوری ۲۰۲۳ ممکن است به حکومت اردوغان در ترکیه پایان دهد. اما بعید است که این پایان بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی ترکیه باشد».

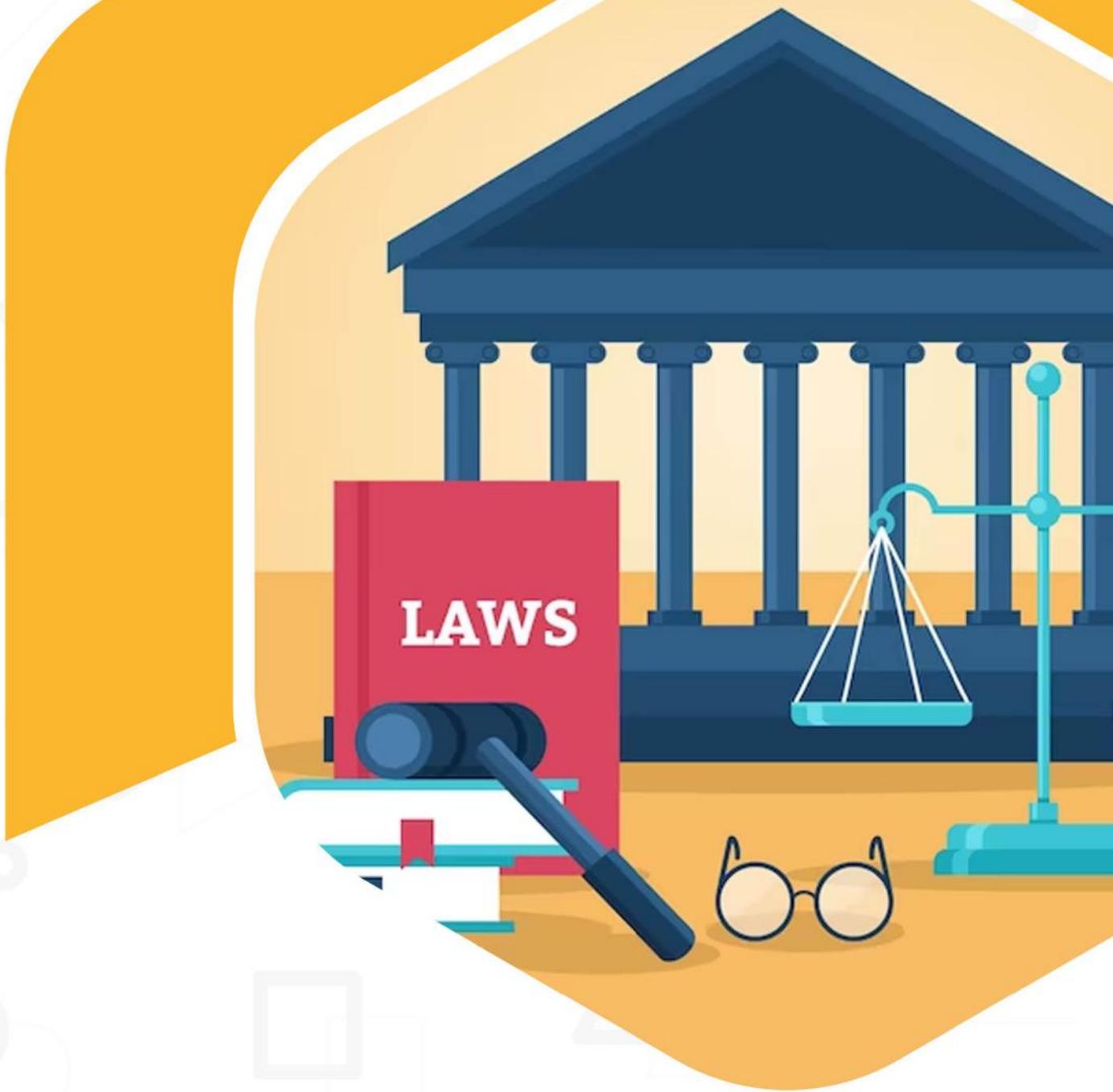
اردوغان، گیلیچدار اوغلو را که از حمایت حزب طرفدار کرده‌ای کشور برخوردار شده بود، به عنوان تبانی کننده با «تروریست‌ها» و گزینه مطلوب غرب و امریکا به تصویر کشید. او در تلاشی برای جلب نظر رای دهنگانی که به شدت از تورم آسیب دیده‌اند، دستمزدها و حقوق بازنیستگی را افزایش داد و به قبوض برق و گاز را پارانه داد و در عین حال صنعت دفاعی داخلی و پروژه‌های زیربنایی ترکیه را به نمایش گذاشت و حتی در صنعت هسته‌ای با کمک روسیه به پیش رفت. طبق ادعای اکونومیست، شبکه خبری دولتی ترکیه ماه گذشته بیش از ۳۲ ساعت به پوشش زنده اردوغان تخصیص داده است در حالی که آقای قلیچدار اوغلو ۳۲ دقیقه وقت داشت.

### فرامتن انتخابات

در انتخابات اخیر بیش از ۶۴ میلیون نفر، از جمله رای دهنگان خارج از کشور، واحد شرایط رای دادن بودند و نزدیک به ۸۹٪ در صدرای خود را به صندوق انداختند. امسال ۱۰۰ اسال از تاسیس ترکیه به عنوان یک جمهوری دولتی مدرن و سکولار که بر خاک استرامپاتوری عثمانی متولد شده است می‌گذرد. قابل توجه آنکه قوه قضائیه تحت کنترل حزب عدالت و توسعه، به دنبال تعطیلی احزاب دموکراتیک خلق است. تنها یک روز قبل از حضور ترک‌ها در پای صندوق‌های رای، مقامات ترکیه از توییتر خواستند که توییت‌ها را از حساب‌های خاصی در ترکیه مسدود کند و گرنه این سرویس در این کشور ممنوع خواهد شد. حساب‌های مختلف احتمالاً مخالفان رئیس جمهور و حزب حاکم بودند که دنبال کنندگان قابل توجهی داشتند.

بعد از اعلام نتایج، نرخ لیر در برابر دلار به پایین ترین حد خود رسید و سهام در بورس استانبول با درک این موضوع که دوران اقتصاد اردوغان ممکن است پایان نیافته باشد، سقوط کرد. نظرکشوارهای غربی هم هرچند به صراحت بیان نکرده‌اند به صورت مشخص هر گزینه‌ای به غیر از اردوغان است.

با تمام این اتفاقات، مردم ترکیه از سال ۱۹۵۰ انتخابات رقابتی انجام داده‌اند، علی‌رغم مداخلات نظامی گاه به گاه، ترجیحات سیاسی خود را در پای صندوق‌های رای بیان کرده‌اند. مردم ترکیه همان‌طور که در گزارش سال ۲۰۱۹ واشنگتن پست آن را بیان کرده است؛ به صورت خستگی ناپذیر در پای صندوق‌های رای حاضر شده‌اند و احزاب مخالف نیز با تمام موافع، پایبندی خود را به صندوق رای به عنوان تنها راه تغییر حفظ نموده‌اند (حداقل تا مروز).



# حکمروایی حزبی

## تهدیدها و فرصت‌ها

شماره هفتم | اردیبهشت ۱۴۰۲

گشتنی مظفری  
مدرس دانشگاه

۵ دقیقه

ولی احزاب دولتی در پی تثبیت و ماندگاری بیشتر در قدرت و بهره بردن از مواهب آنند و خیلی پایین‌داشتگوهای یادشده نیستند. میزان رشد و دستیابی به جایگاه‌های بالاتر اعضا ای حزب، بیشتر متاثر از مناسبات قدرت و بازی‌های سیاسی درون حزب است و شایسته سالاری جای خود را به "رابطه سالاری" و "مصلحت‌گرایی" میدهد و به تدریج احزاب از نیروهای انسانی متخصص کارآمد و متعهد به منافع مردم و جامعه خالی و به جای نیروهای وفادار به حاکمیت و قدرت و منافع حزب قدرت میگیرند و آن را به کجا راهه باید راهه می‌برند که سرانجام آن تعزیف سرمایه اجتماعی و فروپاشی است.

احزابی که از سرمایه انسانی متخصص و متعهد خالی شده‌اند، عرصه یکه تازی افراد عموماً کم مایه و فرصت طلبی خواهند داشت که با استفاده از زدوبندها و بازی‌های سیاسی و نفوذ در تصمیم‌های حزب به عنوان کاندیدا وارد رقابت‌های انتخاباتی شده و یا در زمان تشکیل کابینه و تقسیم و تخصیص جایگاه‌های دولتی چشم به مهمترین و موثرترین آنها می‌دوزن؛ حزبی که فاقد الگوی حکمرانی حزبی مناسب باشد در درون خود دچار بی‌نظمی و هرج و مر ج و ناکارآمدی شده و عملانمی‌تواند در شکل گیری یک پارلمان یا دولت قوی منسجم و کارآمد نقش موثری داشته باشد.

در این میان نمی‌توان نقش احزاب خوب را در تحقق نظارت پارلمانی مطلوب، نادیده گرفت. حکمرانی شایسته حزبی به معنی شایسته گزینی و شایسته سalarی، وجود سیستم والگوی شفاف و ساختار مندار تقا در سلسله مراتب حزبی، سیستم‌ها و روش‌های منسجم یکپارچه و در عین حال پویا و ارگانیک عملیاتی، سیستم‌های شفاف و صالح پاسخگویی و گزارش دهنی، احزاب رقیب و دیگر ذینفعان، نقش مهمی در جهت تقویت حکمرانی شایسته پارلمانی دارد.

در این ارتباط ابزارهایی مانند ساماندهی گروه‌های پارلمانی در قالب کمیسیون‌ها و کمیته‌های اولوی از یک جانبه گرایی، سوال، تذکر و استیضاح، می‌تواند به قدرت و توانمندی‌های احزاب برای کمک به تحقق حکمرانی شایسته پارلمانی، بیفزاید.

و در عین حال نبود احزاب سیاسی منسجم، آسیب‌های جدی در میدان سیاست خواهد داشت که به اجمال اشاره می‌شود.

- آشفتگی در فرآیند کاندیداتوری حزبی و حقیقت مستقل افراد برای عضویت در پارلمان ملی و پارلمان‌های محلی

احزاب و نهادهای مدنی، سازوکارهای تجربه شده بشری در مسیر تحقق توسعه پایدار هستند و در جوامع توسعه یافته، علاوه بر سازماندهی افکار و آراء مردم در آستانه انتخابات با فراهم ساختن ارتباط میان مردم و مسئولین، زمینه افزایش و تقویت مشارکت سیاسی را فراهم می‌کنند و موجب بهبود کارآمدی نظام حکمرانی و ثبات سیاسی می‌گردند.

تحولات ساختاری و جمعیتی همراه با ضرورت افزایش تقاضا برای مشارکت سیاسی، سبب گردیده تا تلاشهای زیادی برای تشکیل احزاب و نهادهای مدنی صورت گیرد اما علیرغم کسب موفقیت‌های نسبی، این فرآیند با چالشهای جدی نیز مواجه بوده است از جانب دولت، مهمترین چالش ماهیت رانتیری دولت و تاثیر منفی آن بر مشارکت سیاسی ساختارمند است. از منظر مردم، مهمترین چالش، تجربه بدوزنه نیت منفی آنان نسبت به تحزب و عملکرد احزاب و از جانب خود احزاب و نهادهای مدنی نیز الگوهای ناکارآمد «حکمرانی حزبی»، از مهمترین موانع و نیروهای بازدارنده فراروی فعالیت احزاب و تحقق توسعه سیاسی است.

احزاب و انتخابات پیوند بسیار محکم و ناگسستنی دارند؛ شکل گیری، توسعه و به قدرت رسیدن بسیاری از احزاب در کشورهای مختلف متاثر از رویدادهای سیاسی مانند انتخابات بوده است. این گونه از احزاب با هدف حمایت و پشتیبانی از یک فرد یا گروهی از افراد و دستیابی به کرسیهای پارلمان یا دولت و تاثیرگذاری بر نظام سیاسی، اقتصادی، فرهنگی یا اجتماعی در مسیر پیشبرد اهداف خود؛ شکل گرفته به قدرت رسیده و توسعه پیدامی کند.

البته برخی از احزاب مسیر بالا به پایین را طی می‌کنند، بدین معنی که توسط جریان صاحب قدرت و برای حفظ و گسترش و تحکیم پایه‌های قدرت و نفوذ خود تأسیس می‌شوند؛ از این گونه احزاب بتوان به عنوان احزاب دولتی نام برد که هدف‌شان نه کسب قدرت، بلکه تقویت گسترش و پایداری قدرت موجود در اختیارشان است.

اینکه یک حزب چگونه شکل می‌گیرد (از پایین به بالا) از بالا به پایین) و چه نوع حزبی است (مردمی یا دولتی)، می‌تواند در مدل حکمرانی و کارآمدی آن نقش تعیین کننده‌ای داشته باشد. «احزاب مردمی» تلاش می‌کنند حداقل تازمان تبدیل شدن به یک جریان عام فراگیر و دستیابی به قدرت تاحدمکن بر الگوهای «شایسته گزینی» و «شایسته سالاری درون حزبی» و فادر بمانند

(استانی-شهری-روستایی) و سردرگمی گروه‌ها و شهریوندان در نحوه تعامل (حمایت/ موافقت/ مخالفت) با کاندیداها

- طرح شعارهای غیرواقعی؛ بی منطق و غیرعملی از سوی کاندیداهای ناشناخته، فاقد تجربه و کارت‌نامه و دامن زدن به انتظارات و ابهامات شهریوندان و بروز اختلاف و به خطر افتادن انسجام و اتحاد ملی

- ابهام و سردرگمی در تشخیص اولویتهای ملی و محلی در تهییه پیش‌نویس‌لوایح و طرح‌های مطروحه در پارلمان

- غیرقابل پیش‌بینی بودن تصویب یا عدم تصویب طرحها و لوایح و رای‌گیری مبتنی بر ملاحظات، روابط و احساسات و ادراکات فردی

- عدم بهره‌مندی پارلمان از نظرات کارشناسان و نخبگان حزبی و در نتیجه زیانبار شدن تصویب و اجرای طرح‌ها و لوایح

- جابجایی سریع و حقی لحظه‌ای موافقان و مخالفان طرح‌ها، لوایح، سوال‌ها، تکرات و استیضاح‌ها بدون هرگونه پشتوانه منطقی

- عدم پاسخگویی مطلوب و مناسب نمایندگان به رای دهنگان و ابهام در عملکرد شفاف و قابل داوری آنان در ایفاده وظایف و مسئولیت‌های نمایندگی

- فقدان مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی و حقی حمایت و پشتیبانی حزبی از نمایندگان در راستای ایفای وظایف نمایندگی در برابر مردم رسانه‌ها و مراجع قانونی

- عدم شفافیت مالی و ابهام در حامیان مالی و هزینه‌های انتخاباتی نمایندگان

متاسفانه در شرایط کنونی مالاز وجود احزاب شایسته‌بی بهره ایم و صرفابه کاریکاتوری از آن دلخوش کرده‌ایم، به تبع پارلمان شکل گرفته از نظام سیاسی غیر حزبی و توسعه نیافته نیز نمی‌تواند از ویژگی‌ها و کارآمدی یک پارلمان تاثیرگذار برخوردار باشد.



# فراز و فرود حمایت قانونی از زیست اجتماعی زبان

مروری کوتاه بر مسیری که طی شد

حدیثه ربیعی  
کارشناس ارشد علوم اجتماعی - پژوهشگر مرکز مطالعات پارلمان



۵ دقیقه



## کارآمدی مجلس، کارآمدی حکمرانی

و در میانه اعتراضات شهروندی زنان، کلیات آن مورد توافق نمایندگان دوره سیزدهم مجلس قرار می‌گیرد. لایحه‌ای که تمرکز آن بر اقدامات پیشگیرانه نظری آموزش، آگاهی بخشی و اطلاع رسانی عمومی، مهارت افزایی و جرم‌انگاری آسیب‌رسانی و سوءرفتار در مور زنان بوده و بعلاوه تلاش می‌کند تا خلاصه‌های قانونی در مورد اجبار در ازدواج، پدیده خون‌بس، پیشنهادات غیر اخلاقی و جنسی به زنان را پرکند.

در ادامه نگاهی به مواد و موضوعات اصلی این قانون ۱۵ ماده‌ای و نقد و بررسی آن ها خواهیم داشت؛ با مطالعه مواد موجود در لایحه پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار می‌توان نقاط بسیار مشتبه یافت که سهم بسیار خوبی در جلوگیری از آسیب‌ها و کاهش شکاف اجتماعی، فرهنگی و قانونی موجود در عرصه زنان و مسائل و چالش‌های پیش روی آنان خواهد داشت. برخی از این موارد در شکل زیر آمده است:

  
حمایت از حریم خصوصی بازوان در مقابله با بطاطن قانونی

  
تسهیل فرایند خروج زنان از کشور اعم از وزشکاران، پژوهشگران و...

  
جرائم تلقی شدن اجبار زن به ازدواج یا اطلاق توسط هر کسی از جمله ولی، قیم و...

  
مجازات مردی که همسر خود را از خانه اخراج کرده یا مانع ورودش به خانه شود

  
تسهیل امور زنان در قوه قضائیه با تقویت و تقویت دفاتر زنان، امور خانواده و کودکان

  
مجازات مردی که از خدمت کننده رابطه نامنفروع بازنماید

  
درمان رایگان زنان آسیب دیده فاقد تمکن مالی

  
مجازات مردی که علم به ازدواج اجباری زن با خود دارد

  
رسیدگی خارج از نوبت مراجعت قضایی و انتظامی به جوانم آسیبی علیه زنان

  
اعطای تسهیلات کم بهره در جهت اشغال زنان فاقد تمکن مالی

  
تشدید مجازات مرتكبین جرم علیه زنان آسیب‌پذیر

  
حمایت حقوقی از زنان فاقد شناسانه

اما اشاره به ایرادات و بعض امباحثات که جای آن هادراین لایحه خالی است و می‌تواند به ارتقای آن کمک نماید، در فضایی که قانون‌گذار به فکر تدوین چنین قانونی افتاده و در مرحله‌ای که لایحه در دست بررسی‌های بیشتر است، خالی از لطف نخواهد بود و شاید بتواند از چالش‌های اجرایی این قانون پس از تصویب جلوگیری نماید.

کلان تاریخ نقش آفرینی مردان و زنان در مسیر پر فرازو نشیب خود، به اکنون رسیده که در آن، بیش از هر زمان دیگری به اهمیت حضور زن در جامعه و لزوم فراهم سازی شرایط این حضور و بروز به مطلوب‌ترین شکل، پی برده ایم. امروز اهمیت وضع قواعد و قوانینی که جایگاه مترقبی و عملکرد زنان را در عرصه اجتماع و در محیط‌خانواده ارتقا بخشد و از آسیب‌ها و سوءرفتار در خصوص آنان جلوگیری کند، بر هیچ انسان متفسکری پوشیده نیست.

براین اساس قانون گذاران در کشورهای مختلف به دنبال وضع این قوانین و قواعد بوده اند و قوانین مختلفی در خصوص زنان و حمایت از آنان در برابر آسیب‌ها و سوءرفتار به وجود آمده است - برای مثال کنوانسیون شورای اروپا تحت عنوان کنوانسیون استانبول که نخستین سند الازام آور قانونی، در سطح بین‌المللی بوده و در آن چارچوبی قانونی و رویکردی جامع برای مبارزه با خشونت علیه زنان، در سال ۲۰۱۱ ایجاد گردیده است.

احساس نیاز به قانونی جامع و کارآمد در خصوص زنان و جلوگیری از ورود آسیب به اشکال مختلف به آنان، در ایران نیز پیوسته در ذهن قانون گذاران و دولت‌ها بوده و از حدود سه دهه پیش (از اوایل دهه ۱۳۷۰) این نیاز ذهنی شکل ضروری تری به خود گرفته است.

به این ترتیب با بررسی مسیر آمده‌ی لایحه‌ای که کلیات آن در ۲۰ فروردین ماه سال ۱۴۰۲ تصویب شد، در نخستین ایستگاه به سال ۱۳۹۱ می‌رسیم. نسخه اولیه لایحه پیشنهادی پیشگیری از آسیب‌ها در سال ۱۳۹۱ اتدوین شده و به کمیسیون لوایح فرهنگی و اجتماعی دولت وقت سپرده می‌شود. اما لایحه پیشنهادی بامانع و چالش‌های متعددی روبرو گشته و عملات اسال ۱۳۹۹ به مجلس ارائه نمی‌شود.

با ارائه این لایحه به مجلس، پیشنهاد مذکور عمل از اردیبهشت سال ۱۴۰۱ وارد دستور کار مجلس شده و در کمیسیون اجتماعی مجلس مورد بررسی قرار می‌گیرد. با رفع ایرادات و ابهامات اصلی (از جمله ابهام در تعاریف، مغایرت مفاهیم مطرح شده با تعالیم دینی و موضوع خانواده محوری)، در نهایت لایحه در صحنه علنی به رای گذاشته شده و در فرودین ماه سال جاری و در میانه اعتراضات شهروندی زنان، کلیات آن مورد توافق نمایندگان دوره سیزدهم مجلس قرار می‌گیرد. با رفع ایرادات و ابهامات اصلی (از جمله ابهام در تعاریف، مغایرت مفاهیم مطرح شده با تعالیم دینی و موضوع خانواده محوری)، در نهایت لایحه در صحنه علنی به رای گذاشته شده و در فرودین ماه سال جاری

ورویه اجرای این وظایف به شکلی روش‌ن در دستور العمل این سازمان ها قید شود، مطلوب و پر فایده خواهد بود. اما با توجه به اینکه لایحه موجود از توضیح نقش و مکانیسم‌های عملیاتی هریک از این ارگان‌ها بصورت واضح چشم‌پوشی نموده است، ممکن است موازی کاری نهادی در مقام اجراء، کارگزاران این قانون را بامشكل مواجه ساخته و موانعی بر سر راه تحقق اهداف متعالی آن خواهد بود.

یکی دیگر از مسائل مهم در خصوص این لایحه، لزوم توجه به کم کردن هزینه حمایت شدن و عدم آسیب برای خود زنان و نهادهای درگیر در اجرای این قانون و افزایش هزینه متخلفان موضوع قانون است. براین مبنات زمانی که هزینه حمایت و عدم آسیب برای زنان پایین نیامده، آنان ممکن است حق موارد مصاديق سوء رفتار را بروز نداده و همواره مورد آسیب و خشونت های مستمر واقع گرددند.

کارگزاران فعل در نهادهای مجری این قانون نیز نباید از بابت اجرای مواد این قانون، مورد آسیب واقع گرددند (بعض اکارکنان بخش های حمایتی و پیشگیری با تهدیدها و خشونت هایی روبرو می شوند که ممکن است انجام وظیفه از سوی آنان را با اختلال مواجه سازد). لذا قانون گذار و مجری قانون باید نهایت سعی خود را در ممانعت از افزایش هزینه طرف اول مبذول دارند. از طرف دیگر هر چه هزینه سوء رفتارهای موضوع این قانون که به آن اشاره کردیم، برای متخلفان بالاتر باشد، بازدارندگی بهتری ایجاد خواهد شد.

ایرادات ممکن است در خود متن قانون و یاد ر عمل به آن و یابین درک عمومی از قانون و واقعیت قانون ایجاد گردد. گاهی نیز ایراد در متن به ایرا در عمل می انجامد که با توجه به دسترسی ما به متن لایحه، در اینجا مورد بحث قرار می گیرند.

طبق ماده یک این قانون زنان در برابر هرگونه آسیب ناشی از سوء رفتار فردی گر به بدن، روان، حیثیت، حقوقی آزادی های قانونی، از تدبیر پیشگیرانه، حمایتی و کیفری برخوردار خواهند شد. اما بنظیر باید مصاديق این سوء رفتار و آسیب ها به دقت و با توجه به اقتضای روز و واقعیت امر در جامعه مشخص گردد.

در ماده دوم این قانون به مناسب سازی فضای کالبدی شهر برای زنان اشاره شده که در صورت تلقی درست و اهتمام بر اجرای آن، بسیار خوش سلیقی شده است. فضای شهری در ایران امروز به اذعان بسیاری از مددیران و اندیشمندان حوزه شهری به شدت مردانه بوده و برای حضور زنان طراحی نشده است.

مشکلات دسترسی به سبب وجود موانع فراوان و کفسازی نامناسب خیابان ها و پیاده روهای روشنایی اندک خیابان هادر شب، پوشیده شدن پل ها و راه های ارتباطی با تبلیغات که تامین امنیت را در چار مشکل می سازد، نبود است راحتگاه های مناسب (نیکمتهایی بالتفاعل مناسب برای مردان)، نبود امکان فعالیت های ورزشی زنان در شهر، نبود سرویس بهداشتی مناسب زنان، رنگ های نازیبا، عدم طراحی وسایل نقلیه شهری برای زنان و... حس تعلق زنان به شهر و امنیت آنان را بامشكل مواجه ساخته است.

این در حالیست که اگر فضایی حضور بانوان نیز وجود نداشته باشد و بانوان در فضای شهری احساس امنیت نکنند به تدریج از حضور در شهر رانده شده و کمتر در فضای شهر حاضر می شوند. لذا توجه به بازسازی فضای شهری بادر نظر گرفتن زنان می تواند سبب جلوگیری از آسیب های احتمالی به آنان شده و امنیت زنان را به نحو احسن ارتقا بخشد.

موضوع دیگری که توجه و رفع ایراد آن حائز اهمیت خواهد بود، مسئولیت نهادهای مختلف در خصوص مواد مختلف این قانون است. این مسئله در صورتی که وظایف هر کدام از این ارگان ها (از جمله آموزش و پرورش، آموزش عالی، وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی، وزارت بهداشت، وزارت راه و شهرسازی، شهرداری ها، سازمان هایی از قبیل بهزیستی و کمیته امداد ...) مشخص شده



# نامنی‌های لایحه ارتقای امنیت زنان

نگاهی بر ظرفیت اثباتی لایحه ارتقای امنیت زنان در دادگاه‌ها

عاطفه مرادی اسلامی  
پژوهشگر دکتری حقوق عمومی- مدیر مرکز مطالعات پارلمان



شماره هفتم | اردیبهشت ۱۴۰۲

۸ دقیقه

## کارآمدی مجلس، کارآمدی حکمرانی

قید «در چارچوب موازین اسلامی»، این سوال را ایجاد می‌کند که در وضعيت‌هایی که حقوق خانوادگی مبتنی بر احکام فقهی تعریف می‌شود؛ آیا می‌توان باز شاهد این چتر حمایتی فراگیر بود؟ برای مثال در زمانی‌که جواز خروج از کشور زنان در شرایط اضطراری این سوال وجود دارد و برداشت‌های سلیقه‌ای را ممکن است به همراه داشته باشد.

### ۲. چه اقدامی «سورفتار» است؟

- با توجه به جرم انگاری‌های گسترده‌ای که در متن لایحه به چشم می‌خورد، این سوال مهم‌ترمی شود که اساساً «سورفتار» مصرح در این قانون، به چه فعل و ترک فعل های اشاره می‌کند و ضمانت اجرای آن چه چیزی است؟

لکن متاسفانه در تبصره ۲ ماده‌۱ به تعریف مبهمی از سورفتار اکتفا شده است؛ طبق این تبصره، منظور از سورفتار، هرگونه فعل و ترک فعل مجرمانه در این قانون یا قوانین مربوطه است که موجب آسیب‌هایی به بدن، روان، حیثیت، حقوق و آزادی‌های قانونی زنان می‌شود. در اینجا عبارت‌هایی از قبیل آسیب، میزان آسیب و به ویژه آسیب‌های روانی به شدت تفسیر بردار است و اساساً مشخص نیست که در مقام اثبات تا چه حد می‌توان به آن استناد و ضمانت اجرایی را مطالبه کرد.

### ۳. این قانون چه ضمانت اجرایی دارد؟

ضمانت اجراهای این قانون در سه دسته حمایتی، پیشگیرانه و کیفری تقسیم بندی شده اند؛ منظور از تدبیر پیشگیرانه دایره گسترده‌ای از اقدامات فرهنگی، اجتماعی، پژوهشی و... است که هرگونه اقدام بازدارنده از سورفتار را شامل می‌شود. حال باید پرسید اساساً ذکر این دایره نامتناهی از اقدامات در قانون علاوه بر فقدان سازوکار حقوقی مشخص، میتواند تکلیف خاصی را برای یک نهاد مشخص با درنظر گرفتن بودجه مناسب پیش بینی کند یا ماهمچنان به جای یک قانون متقن لازم الاجرا با سه دسته راهبردو سیاست کلی مواجه هستیم؟

در بخش تدبیر حمایتی که به نظر می‌رسد وجه تفاوت آن با مورد قبلی در اقدامات پسیفی باشد، همچنان با دستور کارهای کلی مواجه هستیم؛ این درحالیست که به تصریح ماده ۴، این قانون تحت نظام حقوقی کیفری قرار گرفته و ضمانت اجراهای کیفری به شدت از حیث اثبات نیازمند تدقیق تکلیف قانونی هستند.

در ماده ۵ این قانون، تقویت دفاتر امور زنان و خانواده در دادگستری‌های کشور، یکی از تکالیف قانونی قوه قضائیه بر شمرده شده است که با توجه به تجربیات

کلیات لایحه ارتقای امنیت زنان، پس از دوازده سال جابه جایی و بررسی‌های بین نهادی از دولت دهم تا دولت سیزدهم، بالاخره در اولین روزهای کاری سال جدید مجلس یازدهم، با ۱۹۰ رای موافق، ۴۵ رای مخالف و ۹۶ رای ممتنع از مجموع ۲۴۶ نماینده حاضر در مجلس به تصویب رسید؛ لایحه ای که عده‌ای از منتقلان آن را دیکته‌ای فمینیستی از استنباطین المللی و برخی دیگران را سوپاپ اطمینانی بدون تاثیر واقعی میدانند. با توجه به اینکه انتظار می‌رود که ماحصل این تکاپوی طولانی مدت، فارغ از بحث‌های کارشناسی موضوعی، طراحی قانونی اثربخش، کارا و منسجم مطابق با بند ۹ سیاست‌های کلی قانونگذاری باشد؛ به بررسی مواد این لایحه می‌پردازیم.

از آنجاکه دولتها از قانونگذاری به عنوان ابزاری برای مدیریت موفق، یعنی به عنوان ابزاری برای اعمال سیاستهایی که نتایج تنظیم‌گری مطلوب را به کار می‌برند، استفاده می‌کنند، معیار کیفی قانونگذاری موفق با اندازه‌گیری رایج موققیت در زمینه سیاستی مطابقت دارد.

به همین منظور قانون خوب شامل فرایندی از قانون گذاری است که در نهایت استفاده کنندگان نهایی قانون، فارغ از ویژگی‌های شخصی و نوع نیاز به مفاد قانون، بتوانند استفاده کافی از قانون را تجربه کنند، بنابراین لازم است که فرایند تقنین معیارهای ضرورت، شفافیت، انسجام و درسترس بودن را دارا باشد.

ریچارد هیتون، مشاور پارلمانی سابق و مدیر دائمی دفتر کابینه انگلستان، ضرورت مشارکت جمعی در راستای ارتقای کیفی تقنین را این چنین بیان می‌کند: «من معتقدم که ما باید حس مسئولیت پذیری مشترک، در داخل و خارج از دولت، برای کیفیت آنچه که قانون موضوعه خودمی نامیم، ایجاد کنیم و افتخار حرفة‌ای مشترک را در آن ارتقادهیم. با انجام این کار، امیدوارم بتوانیم اطمینان را در بین کاربران ایجاد کنیم که قانون برای آنها است.». با توجه به نظرخواهی‌های گسترده پیرامون این لایحه از سوی کارشناسان نهادهای مختلف از جمله قوه قضائیه، سازمان بهزیستی، مرکز پژوهش‌ها و... می‌توان از حیث مشارکت پذیری، این لایحه را یک نمونه موفق دانست با این وجود با مراجعت به مفاد قانون، ملاحظات فنی ذیل مشهود است:

### ۱. این قانون شامل چه کسانی است؟

- قانونگذار با تصریح به اینکه مخاطب مفاد این قانون همه بانوان فارغ از هر نوع وابستگی دینی، قومی و مذهبی هستند؛ سعی داشته چتر حمایتی فراگیری را ایجاد نماید، با این حال در تبصره همین ماده

به عنوان یک تکلیف برای وزارت ذکر شده است. باید گفت که اولاً این ادبیات متناسب یک متن سیاستی است و نه متن قانونی لازم اجرا، و ثانیاً این مفاد در اسنادی همچون سند تحول بنیادین در نظام، تعلیم و تربیت رسمی عمومی هم پیش از این مطرح شده و بنابراین تکرار مکرات بدون ارزیابی علت ناکامی‌های اسناد پیشین و راهکار جایگزین، کاری از پیش‌نخواهد برد. همچنین تکالیف تعیین شده برای وزارت علوم در ماده ۸ نیز همان مسائل قبلی را داراست و نگرانی دیگر ناظر به بند ۵ این ماده مبنی بر امکان سکونت دختران دانشجویی بد سرپرست پذیرش شده در دانشگاه شهری غیراز محل سکونت، از این جهت خواهد بود که اولاً تعریف بدرسپرست و اثبات آن معلوم نیست و ثانیاً در وضعیت فعلی هم اسکان دانشجویان در خوابگاه‌ها با موانع متعددی از حیث امکانات محدود فضاهای دانشگاهی روبروست و معلوم نیست تا چه حداین بند با وجود عدم ضمانت اجرای قابل پیگیری باشد.

این مساله در مواد دیگر از جمله در ماده ۱۱ در مورد تکالیف وزارت علوم قابل طرح است، برای مثال طبق بند ۵ «درمان رایگان زنان آسیب دیده دارای فوریت پزشکی فاقد تمکن مالی» و بند ۷ «ایجاد محیط اختصاصی جهت ارائه خدمات پزشکی بارعایت شوئونات اسلامی برای زنان» به عنوان تکلیف وزارت علوم در نظر گرفته شده در حالیکه نه ضمانت اجرای مشخصی دارد و نه حتی منابع مالی تامین این زیرساخت‌ها مشخص است؛ و صرف‌دار ماده ۲۷ بیان گردیده که «دستگاه‌های اجرایی موظفند اعتبارات موردن نیاز خود را برای پیش‌بینی در بودجه سالانه مربوط به سازمان برنامه و بودجه کشور ارائه کنند».

همچنان که تجربه ایجاد تسهیلات قانونی در «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» و مواقع اجرایی این قانون، نشان دهنده موانع متعدد اجرایی است.

همچنین تکالیف بار شده به وزارت راه و شهرسازی و شهرداری هادر ماده ۱۴ و ۱۵ داعین حالت مزیت‌های قابل توجهی را برای بانوان فراهم می‌کند، کلی و فاقد سازوکار مشخص و ضمانت اجرایی دقیق است.

وزارت ارشاد و صداوسیماین موظف به انجام تکالیفی از احیث امنیت رسانه‌ای زنان شده‌اند که همچنان این تکالیف از عدم اتقان و تفسیر بردار بودن شاخص‌های مندرج در ماده رنچ می‌برد. برای نمونه در بند ۳ مواد ۹ و ۱۰، «ممنوعیت صدور مجوز و پخش آثاری که در آنها استفاده ابزاری از زنان صورت گرفته» ذکر شده در حالیکه اساساً استفاده ابزاری از زنان تعریف نشده و تفاسیر متعددی را می‌تواند داشته باشد.

منفی متعددی که بانوان به جهت اثبات ادعای پیگیری پرونده‌های دادگاه هادر دارد، به کارگیری قضات بانو در مراحل دادرسی مقدماتی آنچنان که در بند ۶ این ماده اشاره گردیده، می‌تواند نقطه اثربخشی برای پیگیری‌های قضایی بانوان تلقی گردد، با این حال باید دانست که در وضعیت فعلی هم از دادیاران بانو به شکل محدود و در دادگاه‌های خانواده استفاده می‌شود؛ لکن حقیقت در همین لایحه اشاره ای به تکلیف قوه مبنی بر ضرورت حضور دادیار بانو در پرونده‌های کیفری بانوان نشده و صرف‌امتنان قانون به این اکتفا کرده است که «در صورت حضور این افراد در حوزه‌های قضایی» و «صرفًا» در جرایم منافی عفت و جرایم منجر به ضرب جرح» بايستی از قضایی بانو استفاده شود.

در ماده ۶ این لایحه، تکالیفی از جنس جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مرتبط با مفاد این قانون، ارائه گزارش و پیگیری اجرای این قانون به وزارت کشور و استانداری‌ها و فرمانداری‌ها داده شده است؛ در صورتی که ضمانت اجرایی ترک فعل هر کدام از این مفاد به دلیل ابهامات فراوان مشخص نیست؛ مگر موضوع عدم ارائه گزارش فعالیت مندرج در ماده ۲۴ این قانون که به عنوان تخلف اداری شناخته شده و طبق قانون رسیدگی به تخلفات اداری قابل پیگیری است.

قابل توجه است که تجربه گزارش دهنده نهادهای اداری در کشور نشان دهنده آن است که ارائه گزارش‌های خلاف واقع امری چندان نو نیست و سابقه آن در نهادهای مختلف وجود داشته است. بنابراین حقیقت در همین ضمانت اجرای نیز لزوماً راهگشان نیست؛ بنگران کننده تر آنکه طبق ماده ۲۶؛ مسئولان و مدیران دستگاه‌های موضوع این قانون، چنانچه از اجرای تکالیف مقرر در این قانون خودداری یا از اجرای آن جلوگیری نمایند به انفصال از خدمات دولتی و عمومی به مدت شش ماه تا پنج سال محکوم می‌شوند. حال باید پرسید و حقیقت که یک اقدام راهبردی کلی در قانون تجویز می‌شود و اجرای آن به شکل صلاحیت‌تخیری به نهاد مرتبط و اگذار می‌گردد، چطور می‌توان ضمانت اجرای انفصال را در نظر گرفت؟ در ماده ۷ هم تکالیفی از حیث آموختی و شناسایی و معرفی دانش آموزان آسیب‌پذیر به نهادهای مرتبط برای وزارت آموزش و پرورش ذکر شده که علاوه بر مشخص نبودن ضمانت اجرای عدم انجام این تکالیف، این نگرانی را ایجاد می‌کند که با وجود ادبیات کلی و ابهامات موجود در متن لایحه، اساساً می‌توان انتظار اثربخشی داشت؟ به عنوان مثال در بند ۶ ماده ۷ «توجه ویژه به تربیت دینی و اخلاقی دانش آموزان و جامعه پذیری آن از مطالعات پارلمانی»

کارآمدی مجلس، کارآمدی حکمرانی

مورد دیگر جرم انگاری فعل «تشویق» به استعمال مواد مخدر و سقط‌جنین در ماده ۳۶ است که محل اشکال است. آیا مقاصد حمایت از زن به عنوان شخص بالغ را داریم و یا قصد حفاظت از زن به عنوان یک طفل صغیر؟! و آیا اساساً این رویکرد کیفری منتج به اهداف مدنظر قانون‌گذار خواهد شد؟

جالب ترین که در ماده ۳۸ برای ایجاد بازار ندگی نسبت به ایجاد روابط غیر م مشروع در حین تأهل، پیشنهاد دوستی را جرم انگاری کرده و حال آنکه اساساً ثبات این فعل در دادگاه بسیار دشمن است.

همچنین در تعریف زنان آسیب‌پذیر که حمایت‌های کیفری بیشتری را دریافت خواهند داشت؛ قانون‌گذار در بند ۵ ماده ۴، به جای یک تعریف جامع و مانع و دادن امارة هایی برای تشخیص به ذکر چند مثال پرداخته است و همین موضوع تفاسیر متعددی را در دادگاه‌ها ممکن است به همراه داشته باشد.

موضوع بعدی حمایت از بانوان در برابر تهدید علیه نفس، شرف و مال... است که مفصلادر ماده ۴۷ پرداخته شده است؛ لکن در تبصره ۷ همین ماده با این بیان که «در مواردی که زن تهدید شده یا متضرر از جرم نسبت به موضوع گذشت کند، دستورهای قضایی موضوع این ماده لغوی شود»، عملانقض ماده را رقم زده است. اصلاح بعید نیست که فرد تهدید کننده، متضرر را به اعلام گذشت و ادا کند!

چنانچه در شرایط فعلی در پرونده‌های حقوقی متعددی، زوجه با بخشیدن حقوق شرعی خود یعنی مهریه و نفقة می‌تواند از زوج طلاق بگیرد؛ تبعاً فشار ناشی از جرایم کفی، شدیدت وکا، ات رای عقب‌نشیه، خه‌اهدیده.

نکته قابل توجه دیگر هزینه های مالی و معنوی پیگیری این پرونده های کیفری است. هر چند که در ماده ۴۹۳ تمدیداتی از قبیل معافیت از پداخت هزینه ها برای افراد فاقد تأمکن مالی و یاداشتن وکیل تسخیری اندیشیده شده؛ لکن تجربه شده است که وکلای معرفی شده از سوی قوه به دلیل اینکه انگیزه مالی در رسیدگی به پرونده ها ندارند؛ عملاً پیگیری کمتری را به خرج می دهند و بار دووندگی هابه دوش شاکی است. چند درصد بانوان کشور فحصت وکار بلدي و توان مال پیگيري اين پرونده ها ادارند؟

قانون فقط برای زنان طبقه متوسط به بالای شهری نیست و سازوکارهای طراحی باید دستگیرن روتایی کم سواد هم باشد که چه بسا بیشتر قربانی دعواهای ناممense و متغیرضات، وح، قارا، مگیند.

همچنین از حیث نهاد تعیین شاخص های عملیاتی اجرای این مواد، با تعدد مراجع مواجه هستیم به طور که تصویب شاخص های عملیاتی تکریم زنان و خانواده در وزارت ارشاد به شورای فرهنگ عمومی و در صداوسیما به شورای سیاستگذاری عمومی ارجاع شده است. با توجه به اینکه هر دونهادیک کارویزیه مشخص دارد، بهتر نبود برای وحدت رویه و انسجام قانونی بیشتر، استخراج و تصویب شاخص های عملیاتی به صورت ستادی انجام میگفت؟

به نظر می‌رسد در بحث تدبیر قانونی، همچنان به جای متن قانونی صریح و مقید بایک سیاست‌نامه عربی‌ض و طویل مواجهیم.

۴. چه رفتارهایی در این لایحه جرم‌انگاری شده است؟

## در موضوع جرم‌انگاری‌های مطرح در این قانون نیز چند ملاحظه‌ وجود دارد:

۱. تعریف حقوقی برخی وضعیت‌های ذکر شده در قانون ابهام داشته و بارویه قضایی فعلی قابل اثبات نیست. برای نمونه در ماده ۳۰، ارسال پیامک نواع آزار دهنده روحی به زنان، به شکل بدون رضایت راجرم انگاری کرده است در حالیکه مشخص نیست کشف عدم تمایل و اثبات آن در دادگاه به چه صورت خواهد بود.

ویا اینکه در ماده ۳۲۵ طرح پیشنهاد دوستی به زنان را به صورت مطلق جرم انگاری کرده است. حال جای سوال است که اگر این پیشنهاد بارضایت طرفین باشد؛ آیا می‌توان حکم به مجرمیت پیشنهاد دهنده داد؟ اساساً نحوه اثبات چنین جرمی در دادگاه چطور خواهد بود؟! همچنین این ماده از حیث ضمانت اجرام محل نقد است؛ به طوریکه بیان کرده: «چنانچه درخواست یا پیشنهاد منکور از سوی کارکنان دستگاه‌های اجرایی مشمول ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ و ماده (۲۹) برنامه ششم توسعه و تبصره ماده (۲) دیوان محاسبات و یا قانون کار، با توجه به موقعیت شغلی در محیط کار، خواهد در محیط‌های دولتی یا حاکمیت و خواه در محیط‌های عمومی غیردولتی یا خصوصی انجام شود، مرتكب حسب مورد به اتفاقات از خدمات دولتی و عمومی یا محرومیت از آن شغل برای مدت شش ماه تا دروس محاکوم می‌شود.

همچنین اگر ارتکاب جرم از سوی اعضای تشکل‌های مردم‌نهادکه موضوع اساسنامه آن‌ها در راستای اهداف این قانون می‌باشد، صورت گیرد، علاوه بر ابطال مجوز آن تشکل، مرتكب از ثبت هرگونه سازمان مردم نهاد محروم می‌شود.» اینکه به دلیل پیشنهاد رابطه دوست، حکم به ابطال مجوز یک سمن داده شود؛ اقدامی بر خلاف عایالت اصل تنااسب در دادرسی است.

بنابراین با وجود طراحی مراجع چندگانه از قبیل اورژانس اجتماعی، بهزیستی، دفاتر زنان قوه قضائیه در شهرستان‌ها و همچنان نمی‌توان امید داشت که مکانیسم قضایی این قانون مفید واقع شود هر چند که در بعد پیشگیری و زمینه سازی اقدامی روبه جلو است.

وماده چالشی ۵۰ ام این قانون ناظر به اجازه خروج از کشور؛ مصاديق ضرورت را به وزارت دادگستری با مشارکت معاونت زنان ریاست جمهوری واگذار کرده است که بعید نیست مواجهه‌ای با این موضوع صورت بگیرد به خصوص که در خود قانون معیارهای ضرورت را مطرح نکرده است. همچنین از حیث فقهی هم این مساله مناقشه برانگیز خواهد بود به خصوص که رویه فعلی دادگاه‌ها هم چندان نگاه مثبتی به این مساله نداشته و صرف اموارد خیلی خاص مورد تایید قوه قرار می‌گیرد.

ونکته آخر اینکه در ماده انتهایی برای رفع چالش بررسی و نسخ قوانین سابق، بدون اشاره به مواد قوانین سابق که از حیث موضوعی مرتبط با این قانون هستند؛ به صورت کلی اعلام کرده که این قانون مانع از بهره‌مندی بانوان از مزایای سایر قوانین نیست! همین ماده مثال خوبی در توضیح آن است که چرا در کشور ما تورم قوانین بیداد می‌کند.



# ارسال گزارش به قوه قضائيه، محبوب بی و فای نمایندگان

چالش نظارت پارلمانی بر اعمال دولت

محمود پور رضائی فشخامی  
پژوهشگر دکتری حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبائی



۴ دقیقه



## کارآمدی مجلس، کارآمدی حکمرانی

طريق هیأت رئیسه جهت رسیدگی به کمیسیون ذی ربط ارجاع می‌گردد. کمیسیون حداً کثر ظرف مدت ده روز موضوع را رسیدگی و در صورت وارد بودن با اظهار نظر صریح، گزارش خود را از طریق هیأت رئیسه به مجلس ارائه می‌دهد.

تبصره این ماده نیز مقرر کرده است: «چنانچه نظر مجلس بر تأیید گزارش باشد موضع جهت رسیدگی به قوه قضائیه و سایر مراجع ذی صلاح ارسال می‌شود تا خارج از نوبت و بدون تشریفات دادرسی رسیدگی نمایند».

ب- در بخشی از تبصره ماده ۲۱۵ قانون آین نامه داخلی مجلس که سؤال از رئیس جمهوری اختصاص دارد، تصریح شده است: «چنانچه اکثریت نمایندگان حاضر در جلسه از پاسخ رئیس جمهور به سؤالی قانع نشده باشند و موضوع مورد سؤال، نقض قانون ویا استنکاف از قانون محسوب شود، آن سؤال به قوه قضائیه ارسال می‌شود».

پ- در ماده ۲۱۴ قانون آین نامه داخلی مجلس درباره گزارش نهایی تحقیق و تفحص مقرر شده است: «در صورتی که در گزارش کمیسیون، تخلف احرار و درخواست تعقیب شود، متخلف توسط هیأت رئیسه مجلس حسب مورد بقه قوه قضائیه یا مرجع رسیدگی به تخلفات اداری معرفی می‌شود تا خارج از نوبت تقاضای کمیسیون را مورد رسیدگی قرار داده و نتیجه آن را به کمیسیون اعلام نماید».

در تبصره این ماده هم آمده است: «در صورت ارجاع گزارش به قوه قضائیه، کمیسیون موظف است خلاصه گزارش را که در آن موضوع تخلف، نوع جرم، دلایل توجه اتهام به متهم و مستندات قانونی مشخص شده است، تهیه نماید. این گزارش در یکی از شعب دادگاه رسیدگی به امور کیفری تهران طبق مقررات به صورت خارج از نوبت مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و حداً کثر ظرف سه ماه رای مقتصی صادر می‌شود».

ت- بر اساس ماده ۵ قانون نحوه اجرای اصل نودم (۹۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این «کمیسیون پس از بررسی لازم و احرار تخلف از دادگاه صالح تقاضای رسیدگی قضائی خارج از نوبت رامی نماید. دادگاه مکلف است پس از صدور حکم، نتیجه را به کمیسیون اطلاع دهد». همان طور که از موارد نکرده آشکار می‌شود، ارسال گزارش به قوه قضائیه هم یک ابزار نظارتی مستقل است (ماده ۲۳۴ قانون آین نامه داخلی مجلس) و هم مرحله نهایی برخی دیگر از ابزارهای نظارتی (سؤال از رئیس جمهوری

کارویژه ای که استقرار نظام نظارت و تعادل را به منصه ظهور می‌رساند، نظارت پارلمانی است.

در قانون آین نامه داخلی مجلس و یکی دو قانون پراکنده دیگر، مجموعاً ۱۲ ابزار نظارت پارلمانی در اختیار مجلس ایران و نمایندگان قرار گرفته است:

۱- تذکر-۲- سؤال-۳- استیضاح-۴- انتخاب نمایندگان ناظر در مجامع، هیأت‌ها و شوراهای-۵- گزارش گیری از دولت-۶- بررسی گزارش تفریغ بودجه-۷- تحقیق و تفحص-۸- تهیه گزارش تخلفات و سوء مدیریت-۹- ارسال گزارش نقض، استنکاف از اجرای اجرای ناقص قانون به قوه قضائیه-۱۰- بررسی شکایت‌های از طرز کار سه‌قوه در کمیسیون اصل نودم قانون اساسی-۱۱- تطبیق مصوبات دولت با قوانین-۱۲- نظارت بر رفتار نمایندگان ابزارهای نظارت فوق الذکر را از حيث مدت طرح در مجلس تا به نتیجه رسیدن، می‌توان به دو دسته زوایزده و دیربازده تقسیم کرد. تذکر، سؤال، استیضاح و تطبیق مصوبات دولت با قوانین در دسته نخست جای می‌گیرند و سایر ابزارهای نظارتی در دسته دوم.

در میان ابزارهای نظارت پارلمانی دیربازده، نمایندگان علاقه‌ویژه ای به جرم‌انگاری عملکرد مسئولان اجرایی و اعلام این جرائم در قالب ارسال گزارش نظارتی به قوه قضائیه دارند. حق می‌توان گفت بخشی از درخواست های مکرر تحقیق و تفحص نیز به دلیل آن است که گزارش تحقیق و تفحص منجر به ارسال گزارش به قوه قضائیه شود. این تمایل به ویژه در دوره‌ای که قوه مجریه در دست یک جناع و اکثریت مجلس در دست جناح دیگری است، مضاعف می‌شود.

با این حال، هر قدر شور و شوق مجلس برای ارسال گزارش به قوه قضائیه زائد الوصف است، درسوی دیگر، به نظر می‌رسد که قوه قضائیه ترجیح می‌دهد گزارشی از مجلس دریافت نکند؛ چراکه تجربه نشان داده است گزارش‌های ارسالی مجلس به مرحله دادرسی نمی‌رسند و غالباً در همان مرحله تحقیق راهی بایگانی راکدمی شوند. پیش آنکه به چرایی ابتدا نمایندگان گزارش‌های ارسالی مجلس به قوه قضائیه پردازیم، باید سازوکار به کارگیری این ابزار نظارتی را مرور کنیم:

الف- در ماده ۲۳۴ قانون آین نامه داخلی مجلس آمده است: «هرگاه حداقل ده نفر از نمایندگان و یا هر کدام از کمیسیون‌ها، عدم رعایت شوونات و نقض یا استنکاف از اجرای قانون یا اجرای ناقص قانون توسط رئیس جمهور و یا وزیر و یا مسئولین دستگاه‌های زیرمجموعه آنان را اعلام نمایند، موضوع بلا فاصله از

۲-۳ در مواردی آنچه در قوانین نظارت پارلمانی آمده است، ناقص حقوق متهم و در تضاد آشکار با آین دادرسی کیفری است. برای نمونه در تبصره ۱۴۵ ماده ۲۳۴ دستگاه قضائی مکلف شده است که بدون تشریفات دادرسی به گزارش ارسالی رسیدگی کند: این در حالی است که: اولاً؛ تشریفات دادرسی تعریف قانونی ندارد و فقط برحی در دکترین میان اصول دادرسی و تشریفات تفکیک قائل شده اند. ثانیاً؛ ترک تشریفات در دادرسی کیفری اگر به معنی حذف برحی مراحل از قبیل تحقیق و صدور کیفرخواست یا نادیده گرفتن مواعداً اعتراض باشد، موجب نقض حقوق بین‌الین متهم خواهد شد.

در نمونه‌ای دیگر، تبصره ۱۴۵ ماده قاضی را مکلف کرده است که ظرف سه ماه حکم صادر کنده مصادق بازرتکلیف ملاطی طاقت است؛ چراکه عموم این پرونده‌ها برای اینکه قاضی بتواند حکم صادر کند، نیازمند ارجاع موضوع به کارشناسی است که فقط همان مرحله غالباً بیش از سه ماه طول می‌کشد. از سوی دیگر، تعیین مهلت برای دادرس موظف کردن او به صدور حکم ظرف مدت معین، ناقض اصل استقلال دادرس است.

۳-۳ برای مجلس صلاحیت پیگیری گزارش‌های ارسالی در نظر گرفته نشده است. یعنی اگر برای متهمان گزارش‌ها به جای کیفرخواست، قرار منع تعقیب صادر شود یا در دادگاه حکم به تبرئه داده شود، مجلس حق اعتراض ندارد. به ضرس قاطع می‌توان گفت اگر به جای تکلیف‌های غیر منطقی مانند صدور حکم ظرف سه ماه یا ترک تشریفات دادرسی، برای مجلس صلاحیت اعتراض به قرارها و آراء در نظر گرفته می‌شد، گزارش‌های ارسالی به قوه قضائیه سرانجام بهتری پیدامی کردند.

موضوع ماده ۲۱۵، تحقیق و تفحص موضوع ماده ۲۱۴ قانون آین نامه داخلی مجلس و گزارش کمیسیون اصل ۹ موضوع ماده ۵ قانون نحوه اجرای اصل نودم).

حال ببنیم چرا مجلس در به کارگیری این ابزار پر تکرار در مواد قانونی حوزه نظارت پارلمانی که در میان نمایندگان نیاز محبوبیت برخوردار است، ناتوان است و قریب به اتفاق گزارش‌های ارسالی به قوه قضائیه به سرانجام نمی‌رسد. دلایل این ناکامی را در سه عنوان می‌توان خلاصه کرد:

#### ۱- ناتوانی در تنظیم گزارش حقوقی:

گزارشی می‌تواند به مرحله دادرسی کیفری در دادگاه و صدور حکم بررسی کده در قالب حقوقی نوشته شده باشد. اساساً مرحله دادرس او صدور کیفرخواست به همین دلیل تعییه شده است تا هر اعلام جرمی مستقیماً سراسر دادگاه در نیاورد. این در حالی است که در گزارش‌های مجلس، بیشتر جنبه رسانه‌ای وحداً کثر بعد کارشناسی دارد و فاقد دقیقت‌های حقوقی است؛ به طوری که گاهی اصلاح مشخص نیست چه کسی به چه جرمی متهم شده است.

#### ۲- بداشت اشتباه نمایندگان از قانون:

برای نمونه در تبصره ۲۳۴ ماده ۲۳۴ مکرر قانون آین نامه داخلی مجلس آمده است: «گزارش ماده ۲۳۴(۱) قانون جمهور، بر اساس بند (۱) اصل یکصد و دهم (۱۱۰) قانون اساسی موردرسیدگی قرار می‌گیرد». مفهوم این تبصره آن است که گزارش ماده ۲۳۴ قانون آین نامه داخلی مجلس را صرفاً درباره رئیس جمهوری مستقر می‌توان تهیه کرد؛ چراکه سازوکار مقرر در بند (۱) اصل ۱۱۰ منحصر اداره رئیس جمهوری است. دولت سیزدهم، شاهد بودیم که مجلس یازدهم چند گزارش درباره عملکرد رئیس جمهوری پیشین را به موجب ماده ۲۳۴ به قوه قضائیه ارجاع داد.

#### ۳- نقص آین نامه داخلی مجلس:

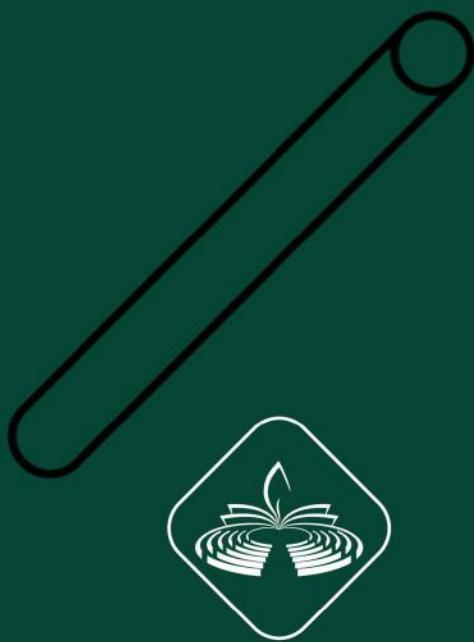
۱-۱ از میان مواردی ارسال گزارش به قوه قضائیه، فقط در یک مورد، تهیه گزارش حقوقی مستدل و مستند، علاوه بر گزارشی که در صحن مجلس قرائت می‌شود، تکلیف شده است؛ در صورتی که اولاً؛ این الزام باید برای همه موارد تعیین می‌شد و ثانیاً؛ تهیه گزارش حقوقی نباید به همان کمیسیون تخصصی کمیسیون عمران یا بهداشت مجلس می‌توان انتظار داشت که گزارش تحقیق و تفحص را تبدیل به متن حقوقی کنند؟



# ماهنامه تخصصی مطالعات پارلمان

کارآمدی مجلس، کارآمدی حکمرانی

سال اول | شماره هفتم | اردیبهشت ۱۴۰۲



مرکز مطالعات پارلمان